



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

فائل کلیه فرایندهای مطبوعه و مطبوعات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتخابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال دهم

۲۳ شنبه ۱۵ تیر ماه ۱۳۳۴

شماره ۲۷۳۸

شماره مسلسل ۳۰

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۰

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه دهم تیر

ماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
  - ۲- بیانات قبل از دستور آقایان دولتشاهی بدکتر سعید حکمت - استخر
  - ۳- بیانات آقای وزیر جنگ راجع بر زندانیان بیمار و تعقیب اخلاص کران
  - ۴- بیانات آقای وزیر بهداشت راجع به معیلتان سازمان بهداشت جهانی در ایران
  - ۵- اخذ رای و تصویب لایحه افزایش حقوق معلمین
  - ۶- طرح لایحه پیشنهاد اسکناس
  - ۷- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس دو ساعت و یازده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

### ۱- تصویب صورت مجلس

رئیس- صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

غائبین با اجازه آقایان بد کتر آذینار - صدوزاده - مکر - کریمی - مهندس اردبیلی - تربتی - مهندس شاهرخشاهی - مهدی - جانریزاده - سلطان الملبام  
غائبین بی اجازه آقایان: کدور - امیر تنبوره کلانی - مصطفی ذوالفقاری - نقیاب

دور آمدگان و زود وقتگان با اجازه - آقایان: امیدسالار ۳۰ دقیقه اورنگ ۳۰

دقیقه تنبوره ناشی ۳۰ دقیقه امامی شوئی

۲۰ دقیقه سعید ۲۰ دقیقه - ابراهیمی

یکساعت - ارباب یکساعت و سی دقیقه - عبدالرحمن

فرامرزی یکساعت و سی دقیقه - دکتر

و کزای یکساعت و سی دقیقه

غائبین دورانی: آقایان موسوی یک

رای - کاشانیان یک رای - صادق پوشوری

یک رای - تفتة الاسلامی یک رای - سلطانی

یک رای - تجدد یک رای - علم یک رای -

میدالعیند بختیار یک رای - خرازی یک رای -

زنگنه یک رای - افشار صادقی یک رای - ارباب

یک رای - بیات ساکوبیک رای

رئیس- آقای شوشرقی نسبت بصورت

مجلس نظری دارید بفرمایند

**شوشرقی** - در بیانات جلسه قبل

بنده سه عبارت اشتباه شده است باید اصلاح

شود باید در اطراف آن توضیح بدهم یکی

در آن مصرع منتسب به امیر مؤمنان علی علیه السلام که خوانندیم با حار حمدان من بیت برنی این عبارت که اینجا نوشته شده است که من گفته ام (شان من نیست) این عبارت ابدأ از ذهن من بیرون نیامد مرض محترم که من کوچکتر از آنم که چنین دعوائی بکنم استعفا میکنم این عبارت را اصلاح بفرمایند عبارت دیگر این است در صورت جلسه نوشته شده من دروغ نمی گویم اگر دروغ بگویم تا سیدم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) این کلمه هم از آقایان شنیدید (گفته شد- خیر) بنده چنین کلمه ای نگفتم و این کلمه پسندیده نیست در صورت مجلس باشد (صحیح است) مثل بقال و عطار است یک عبارت دیگری است و اسم است اشتباه شده آقای کرابلی را جلالتی استماع کرده اند و اشتباه شده است استعفا میکنم که این سه قسمت را در صورت مجلس اصلاح بفرمایند

**رئیس** - هر سه قسمت اصلاح میشود

آقای خرازی نسبت بصورت مجلس نظری دارید بفرمایند

**خرازی** - بنده را جزو اشخاصیکه

در رای باعتبار نامه آقای امیر تنبوره کلانی

شرکت نکردند نوشته اند در صورتیکه

بشهادت آقای مسعودی و سایر رفقا شرکت

کردم و رای سفید دادم - خواستم اصلاح

شود (مسعودی - صحیح است) (شمس قنات آبادی -

احسن)

**رئیس** - بسیار خوب اصلاح میشود

دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نیست؟

(گفته شد خیر) صورت مجلس جلسه پیش

تصویب شد

### ۳- بیانات قبل از دستور آقایان دولتشاهی بدکتر سعید حکمت (استخر)

**رئیس** - در جلسه پیش نطق قبل از

دستور نشده بود با اجازه آقایان باین جلسه

مو کول شده آقای دولتشاهی بفرمایند

**دولتشاهی** - بنده مقدمه از مقام و ریاست معظم تشکر میکنم که نوبت بنده را از افتاقا امر فرمودند محفوظ باشد. گفته شد از گذشته نباید صحبت کرد شاید نظر کوبنده محترم این بوده است که نباید با حرف گذشته را تذکر داد و باید همین کرده شاید مقذور باشد صدی ده صدی پنج آقا طاعت فرمای دوره گذشته را معفو کرده اما بلکه بتوانم شأن مردم بیچاره این مسکنت را از زیر بار فشار سنگین گرانی راحت بکنم و الا چگونه ممکن است از گذشته ای باین سختی و سنگینی بتوان صرف نظر کرد تجربه و عبرت روز امان معسکات دیگر معسول گذشته است از آینه جودات پاک پروردگار کسی اعلامی ندارد اگر تذکر از گذشته برای بشریت مفید نبود این همه کتب مفید تاریخ که سالها عمر نویسندگان بزرگی را صرف کرده است چه نتیجه ای داشت این همه کشفیات در اعماق زمین با صرف میلیونها مخارج چه ثمری داشت پس تجربه و عبرت باید از گذشته بشر داشته باشیکه عمل بتجربه از جنگ بین الملل گذشته برای این مملکت میباید در حال خسارت وارد کرد، همه میدانند که در جنگ بین المللی گذشته ایره طلا به ۲۰۰ ریال و ایره کافزبه ۱۸ ریال فروخته شد همین تجربه باعث شد که در جنگ بین المللی دوم بجزرد ورود تقون متخاصم قیمت ایره را به ۱۳۰ ریال بانهیل کردند که اگر امان نظری بشود خواهید دید که هنوز آتارش در این مملکت باقی است (شمس قنات آبادی - خائنین داخلی این کار را کردند) (میداشراقی - آتار خیانت مشرف الدوله هنوز باقی است) بشخص کاری نندام ملاحظه فرمودید با گرفتن و فروختن یک ایره به ۱۳۰ ریال پول او چه جور پرداخته شد اگر قسمتی بخراب معروف حاجی فغانی پرداخته شد قسمت دیگرش را انشاهه امیدواوم پیرمزان آبا

این در برهه است و باید بین درباری قابل فراموشی و امانی است ؟ شاید اصالتی از گذشته و توانسته باشم نصل و احساس کنیم ولی فرق خاصی بین این گذشته و گذشته ما بوده است چرا آن اصالت را گذشته باید بگردانیم ؟ برای اینکه این اصالت در گذشته برای این مملکت موجب گرفتاری و بدبختی حال و خدای نکرده سال این کشور است ، مادر مقابل یک تیر بهای که دیگران افعال کرده اند یا خاسته هست که ما در این همه مصائب و این همه تجربه کوچکترین میرتی نداشته باشیم همین نتیجه از گذشته بود که شیخ علی‌الرحمه برای افراد هوشمند آرزوی هر دوباره را کرد . آقایان در این مجلس صدای آری می‌بینم که هر دوباره و سواره بلکه چنین باره دارند خایسته نیست که چگونه ما باید گذشته را فراموش نکنیم (شخصی فغان آبدی- آقای دولتشاهی کی گفت گذشته را فراموش نکنید) گذشته فغان آبدی- گفته شد که دربار گذشته جوانان دردها فغانوت بکنید) هر کرم مقصودشان این بود پس وقتی یکمده ای داریم بکنیم که هر دوباره و سواره که آرزوی شیخ علی- الرحه است دارند خایسته نیست مانگنیم که تجربه را باید بکاربرد بقول آن شاعر عرب که گفت زبر همین کتب و این بار کاه همینجا آقا یادارید همه آقایان بظاهر دادند ما یک جریانهای دیده ایم که حتی پاوه‌ای از آنها هم قابل گفت نیست(شخصی فغان آبدی- آقا ما چیزی ندیدیم ) یعنی شاید برای گوینده هم آفتد هاجوب باشد (داوآب- اگر برای ما میفرمایید بلندتر بفرمایید ) شاید این میکروفون خراب است پاسدهای من کافی نیست آقای مصدق السلطنه پایک‌همل بسیار خوب که مورد آرزوی این مملکت بودم یک الفاظ بسیار زیبایی خوبی شروع یک کار خوبی کرد عرض نمی‌کنم که خود آقای مصدق السلطنه خایه‌خدای نخواست حسرتی نداشته باشند با این که بستگان ، دوستان صوری ایشان ایشان را از مقصود و منظورشان منحرف کرده‌اند نتیجه بالبال برای این مملکت جزیک بدبختی و بیچارگی و فلاکت چیزی در برداشت البته در موضوع یک قتلی قسمت سهوشش یک تفاوتی میکند ولی برای مقول چه تفاوتی می‌کند مائله او ، خانواد او و برشان شده حاصله این است که بنیاسبت قتل غیر معتاد را مجازات نمی‌کنند و الا بر روی اولاد برشان و بدبختی او چه نتیجه دارد مردم این مملکت در این بیخ‌آمدخواه عینا خواه اشتباه‌خواه خدای نکرده خایسته نتیجه برشان دربار عرض شود ، بنیاسبتی که عرض کردم آنچه که قابل گفتن است اینجا عرض می‌کنم که آقایان خاصه نباید آن دوره ۱۷ و ۱۸ عصری اطلاع دارند آقای

مصدق السلطنه هر وقت که بلاهای او را برای بکنند بتوان حکومت نظامی از طرف دولت‌های وقت باین مجلس تقدیم شد مدها هیاهو دادند و ناخند گریه کردند و غش کردند و حکومت نظامی را برای مصلحت منفر دانستند ولی همه آقایان ملاحظه فرمودید در دو سال و چند ماه یک دفعه نتوانستند بدون حکومت نظامی کارشان را اداره کنند، یک حکومت نظامی هم در حکومت نظامی اختراع کردند که آن کمیسیون مابین بود و در مصلحتی که حکومت نظامی باین سختی و بآن فشار مادمه که مصلحت باصلاح اگر جلوش را نمی‌گرفتند تا آن فیها خالدون میرفت اصولاً هر ساعت و هر دفعه یکی از افراد این کشور فرمان نخست وزیر را از دست شاهنشاهی ایران می‌گیرند مضار رئیس کمیسیون امنیت این کشورند ، کمیسیون امنیت این کشور بهتر از آقایان در راه که هر کدام مسئول امنیت یک قسمت از کارهای کشور هستند چه بهتر از این میشود . رؤسای شهر بانی و ژاندارمری و دیگران تحت امر دولت هستند چنانچه ملاحظه فرمودید حتی احکامی که در خلاف وجدان و شرایع سربازی سرباز داد بودند در برابر اطاعت از اوامر دولت اجرا کرده بودند پس باید گفت که این کمیسیون امنیت خود حکومت نظامی در حکومت نظامی اثر دیگری نداشت و حالا اگر یک روزی یک تک‌تکرافی برسد اینجا یک پاسان در اقصی نقاط این مملکت توی گوش یک نفر زده بلافاصله هیاهو راه می‌اندازند ، مشروطیت از بین رفته ولی همه دیدند در چشم آذر وقتی که قریب سیصد نفر در این شهر کشته شد وقتی که خانه‌ها غارت شد ، اداره روز نامه مخالفان را آتش زدند و سوختند پشت هیچ تریبون آقای مصدق السلطنه فرمودند که من گذشته از این که متأسف نیستم بسیار خوشوقت هم هستم ، اگر کوچکترین اهانتی نسبت بیک کسی میشد باز می‌دیدیم که خیلی کارها میشد ولی دیدیم در خیابان ما با عصمت مردم چه جور رفتار کردند بنده عرض نمی‌کنم که بین این خوانین محترم یا دوشیزگان یک مردمانی نبوده که با مصلحت کار بکنند نکرده بودند ولی بر خلاف تمام قوانین عالم باین صورتی میشد شایسته نبودید اینک در قوانین جزائی ما از نوع خشن قابل اتباع تا اعدام در مقابل اصل مردم مجازات قائل شده‌اند ولی در هیچک از قوانین لغت سکرنن یک خانم دو کوچه و سکتک زدن سبایاتون مرسوم نبوده (شخصی فغان آبدی- ملال زاده‌ها که ندیده‌ام کی همچو کاری کرده) آقا در عرض نکردم (شخصی فغان آبدی- هیچ همچو کاری نکرده اصلاً) آقایان آرزوی این

این مملکت را می‌بیند ( آقای مصدق السلطنه در مجلسی حتی با اختیار دادن بکسیونما همه آقایان میدانند مخالف بود وقتی خودشان حاجت پیدا کردند آن اختیارات را با صورت از مجلس گرفتند ، کار بجایی کشید که هفت‌هفت تریبون در موقع تشکیل مجلس بنا فرمودند من میدانم که مخالف قانون اساسی است ولی می‌خواهم (مسودی و شوشتری- صبح است) اگر کسی آرزوهای ضمن سببش یک عجزانی اشتها از دهانش خارج میشد فریاد می‌زدند که اهانت بپسلی است اما بظاهر دارید که خود ایشان چه اهانت‌هایی باین مجلس کردند آقای مصدق- السلطنه از همین اطان رفتند تریبون جلوی بهارستان فریاد می‌زدند مردم گفتند اینجا مجلس هم که اولاد و جمله اشخاص نیست آقایان و کلای مدافع مو کتر ها که کردند و گزارش را روی می‌بستند و یک ششیرم دستشان بود این دست از هیچکدام آزدوسته اسباب دهوا نبودن وقتی شمری آمد آنها چند دور تکیه می‌کشند و دنبال اومی دودند وقتی امام‌هم با همه می‌نظور (میراشرفی هر حالا هم زیاد است) نتیجه‌ای که داشت این بود که از دست مردم ناروز هاشورا شمر شمر بود دیگر قماش را عوض نیکر دو مقولان با همین احوال تعزیه شیوع و شیاع داشت سر هر کوچه و گذری یک تعزیه می‌خوانند با یک تفاوت چون دستکشان هایش نبود وضعیتشان زده دست نداشت لباس متحدو اشخاص نداشتند نگاهتند البته برای جلب مستمعین ناچار بودند سر این کتبه که تعزیه می‌خوانند سر گذر دیگر هم تعزیه دیگر بخوانند آقای شوشتری پادشاه هست (شوشتری- بنده می‌دام نیست ستم اقتضا نمی‌کنند) این هاجکار می‌کردند محلی که نداشتند لباسشان را عوض می‌کردند وقتی که از این مجلس بیسیله دیگری می‌رفتند درین راه آن یکی چادرش را می‌بنداخت سر آن آن یکی کلاه خودش را میگذاشت سر این شخصی که باید باشد بود این هراس مرمله بود منتهی چادرش انداخته بود هر وقت مظفر الدین شاه در همین تکب دولت یک تعزیه‌ای می‌خواندند آن تعزیه یک سید کاسی داشت مصلحت ببعین البگاه این معنی الیکه بکارش خیلی ملاحظه بود مردم خیلی عامل بود از اول سال سعی میکرد در تمام این کشور مثلا یک آدم فلان روشن را پیدا بکنند که مخالف هم بتواند بخواند و او را بگوید شمر مینظور برای تمام کار- هائی که سید مکره لازم داشت برای خودش کسی را پیدا میکرد مثلا یک جوان زبانی را پیدا میکرد بلا تشبیه میگفت که حضرت علی اکبر است (رئیس - آقای دولتشاهی وقت شما تمام است) چند دقیقه‌ای اجازه بدهید

رئیس - چند وقت بفرماید دولت‌شاهی بدوین

رئیس خرای گرفت می‌شود باین که ده دقیقه دیگر ایشان صحبت کنند آقایان موافقت تمام فرمایند (گفتار خاسته) خوب شد فرماید دولت‌شاهی- تشکر میکنم عرض کنم همینطور اشخاصی برای کارهائی که داشت تهیه میکرد مثلا برای موه‌خوان که صدایش نازک باشد صدای زنانه داشته باشد البته آقایان میدانند تمام اتانیه که فلان دربانان رفنی پشتوانه اسکانس است (د کتر جزایری- می‌باید اگر این مردم برای بنده و شاد دست زنند ، می‌بازند ، جانفشانی کردند ، بامید اتانیه منتقل میشد بیک دولت خیلی چیزها بود صدای های طلا بود زین ویرانه‌های مرض بود انواع و اقسام و از جمله اشخاص هم که بودند ۴۰۰۰ هرب بودستی - کردند و گزارش را روی می‌بستند و یک ششیرم دستشان بود این دست از هیچکدام آزدوسته اسباب دهوا نبودن وقتی شمری آمد آنها چند دور تکیه می‌کشند و دنبال اومی دودند وقتی امام‌هم با همه می‌نظور (میراشرفی هر حالا هم زیاد است) نتیجه‌ای که داشت این بود که از دست مردم ناروز هاشورا شمر شمر بود دیگر قماش را عوض نیکر دو مقولان با همین احوال تعزیه شیوع و شیاع داشت سر هر کوچه و گذری یک تعزیه می‌خوانند با یک تفاوت چون دستکشان هایش نبود وضعیتشان زده دست نداشت لباس متحدو اشخاص نداشتند نگاهتند البته برای جلب مستمعین ناچار بودند سر این کتبه که تعزیه می‌خوانند سر گذر دیگر هم تعزیه دیگر بخوانند آقای شوشتری پادشاه هست (شوشتری- بنده می‌دام نیست ستم اقتضا نمی‌کنند) این هاجکار می‌کردند محلی که نداشتند لباسشان را عوض می‌کردند وقتی که از این مجلس بیسیله دیگری می‌رفتند درین راه آن یکی چادرش را می‌بنداخت سر آن آن یکی کلاه خودش را میگذاشت سر این شخصی که باید باشد بود این هراس مرمله بود منتهی چادرش انداخته بود هر وقت مظفر الدین شاه در همین تکب دولت یک تعزیه‌ای می‌خواندند آن تعزیه یک سید کاسی داشت مصلحت ببعین البگاه این معنی الیکه بکارش خیلی ملاحظه بود مردم خیلی عامل بود از اول سال سعی میکرد در تمام این کشور مثلا یک آدم فلان روشن را پیدا بکنند که مخالف هم بتواند بخواند و او را بگوید شمر مینظور برای تمام کار- هائی که سید مکره لازم داشت برای خودش کسی را پیدا میکرد بلا تشبیه میگفت که حضرت علی اکبر است (رئیس - آقای دولتشاهی وقت شما تمام است) چند دقیقه‌ای اجازه بدهید

رئیس - چند وقت بفرماید دولت‌شاهی بدوین

رئیس - چند وقت بفرماید دولت‌شاهی بدوین

رئیس - چند وقت بفرماید دولت‌شاهی بدوین

مجلس شورای ملی این ابطال آن زودتر از آنکه  
بمجلس دولت و این باطل و رفتی است پس از  
طواف عام اهالی که سابق نسبت باین مرد  
بزرگ آزارها و شکنجه ها کرده بودند دور  
نافت او را گرفته تا با آنجا به مسئله ای  
خواهد گرد ، مردیکه بعد سبیده خیال  
بواقع آزارها و شکنجه ها و اذیتها را از  
سایتی انشعاری از شهرهای خودش میگوید  
کرده بود شب هنگام عاتقا تریب از آن  
شهر فرار کرده حالا بعد از ۸ سال مهاجرت  
۲۱ مرداد لشکر مسلح وارد شده البته کسی  
انتظار نداشته که این مرد با آن آزارها و  
اذیتها که دیده کثیرا این را که باو ملتمس کرده اند  
ببشد خود ببیند . گفت خیال میکنم که  
به باشا چه میماند ای بکنم ؟ گفتند بکن  
منامه ای که مرد شریف ، بیکرند  
بزرگ مامای بکنند فرود از هوا و اتم الملقاه  
بروند سکه همه آزار هتیه تمام را بشنید  
بیکر هشت نفر که خون آنها را هدر کرد  
که حالا بنده نیهو ام وارد آن فصل  
شدم سرا یرده نبوت را بالای پاک تبه  
یوم بودند که نیکو فرمگه بود و پیشتر  
وارد آن سرایرده شد تکهای بصرای که  
کرد فرمود . ای مکه ای وطن من  
بر زندان تو قفلم مرا گذاشتند مرا مجبور  
کردند که بروم شهر دیگری و بیرق نبوت  
را آتیا بلندگی و ملی من تو را دوست دارم  
و از جان و دل ترا فراموش نیکم از شدت  
تأثر فرمود که حال وطن من از ایام دستور  
داد گیاه مکه را نندوند سید مکه را  
شکار کنند که حرام است این معنای وطنیت  
و این دستور حیا لوطی است که همه ما  
باید از بیان این مرد بزرگ و این عدل  
مرد نسبت به وطن خودمان تا این حد ملاحظه  
مند باشیم . بنده را شرفش در او بودن خودم  
همین اندازه علاقه مند هستم زیرا که این  
شخص حق بگردن من دارد اعمالی این شهر  
مرا بنیادنگی انتخاب کردند که برای آنها  
اگر خونم خدمتی انجام داده باشم حالا  
اگر این قدرت و نفوذ را داشتم البته برای  
این شهر محراب خودم پاک امتیازاتی قائل  
میشدم ولی چون آقا ندارم ناچار از دولت  
سبیده زاهدی خواش میکنم نیست بر  
بیانات گذشته من که مربوط بسلسل بودن  
الان و عقاید بود یک توجه کافی بکنند  
(صحیح است) زیرا آنطور که بنده اطلاع  
دارم قریب آفتی ندارد (میر اشرفی -  
بزرگشاهی) مسلح بودن ایالات و عشایر و  
زمانی که رفع این و این آفت از سره  
فارس و شیرازی شود احدی اطمینان  
بزرگی خود ندارد (صحیح است)  
(میر اشرفی) بگریش همان چهار روزی  
از اهل اقل قریب تقریری ندارد نه باید از  
کون جهت واقعی شکر کنیم که تا  
در این وقت و دانش را در فراموشی قرار  
نداده اند و این در آتیا و میوند  
بمجلس شورای ملی

میکند) خاطر هست وقتی هکار معظم  
بنده آقای میر اشرفی اینجانب گریز فرمودند  
که روز چندم همراه گویا اداره ایشان را  
دفتر روزنامه ایشان را آتش زدند (میر  
اشرفی - شازدهم آذر) غارت کردند  
(میر اشرفی - غایب) راه فرار کردند  
بنده این نکته را فراموش نکنم که آقایان  
یک غارت و یک آتش زدن دیدند ولی بنده  
در فارس مگر دیدم یک بار مگر را  
تمام آتش زدن یک بلوگری را مگر غارت  
کردند که مدت ۲۰ سال روی آبادی ندید  
بنده از آنروز مترسم این تذکر بنده از  
این لحاظ است که میادا بزرگترین روزی  
پیش بیاید و ما خودمان در این گناه بزرگ  
شریک هستیم (میر اشرفی - آقا وزارت  
دارایم) از دو بیانات مطالبات خودش فرمود  
کرده ۶ میلیون تومان مال دولت واردند  
و خوردند شرکای بزرگ آن در تهران (مستند  
وزیر دارائی - بنده جواب میدهم) همین  
بیشتر بزرگ که بنده نام نامی او را در زبان  
آوردم یک دو کله ای دارد اجازه بدهید  
عرض کنم حلقه انوشوم خیر من فتنه نمودم این  
سرف حرف پاک و فرمودی نیست حرف کسی  
آدم دکترو مهندسی نیست این حرف کسی  
است که بعقیده ما مایه من الهیون هو -  
الاحی و بوحر هم بگو و باز طرف دیگری  
میگوید میگوید سلطان انوشوم خیر من فتنه  
نمود اگر بزرگ ملت یک پادشاه حاکی  
حکومت بکند یک پادشاه مستقیم حکومت  
بکنند بهتر است که در بین آن جامعه فتنه  
فساد حکم فرما باشد (قات آبادی - آقای  
استخر انتقاد کردند غیر از فتنه فساد است)  
این را هم عرض میکنم که ما دوره پادشاه  
قدت را دیدیم و دوره دوسال چند ماه  
گذشت که ما دیدیم که مراب مردم از لحاظ  
فته و فساد چه گذشته (صحیح است) عرض  
بنده اینطور فتنه و فساد است عرض بنده  
انتقاد نیست عرض بنده فتنه و فساد است  
(قات آبادی - منشا فتنه را باید از این برداردند)  
(صاری) ایشان هم مقصودشان همین بود  
(قات آبادی خوب بگویند که بردارند)  
(میر اشرفی) عقاب زایش خود کرد مصدق  
(بود) موضوع دیگری کسی خواست خدمت  
آقایان عرض کنم اینست که بیشتر ابدانی  
که بدولت می شود انتقادی که می شود البته  
از لحاظ فساد دستگاه دولت است در این  
تردیدی نیست خود دولت هم البته نمیتواند  
این را انکار بکند که فساد در دستگاه دولت  
نیست (صحیح است) مام این را من میدانم  
اما چکار باید کرد که این فتنه و فساد مرتفع  
شود بعقیده بنده یکی از دوزار را دارد  
با یک حکومت انقلابی روی کار بیاید چون  
اینکه فکر عاقبت کار را بکنند تصفیه کاملی  
بکنند و ملنگ را نجات بدهند دیگر ترقی  
اصلاح است یک راه اصلاح دیگر تقویت  
کردن دولت است البته هر دو در حاکمیت  
بمجلس شورای ملی

برو این ملت را از این فتنه نجات دهد حالا آقا  
آن سید نورانی خوب کسی آمده ؟  
(میر اشرفی - خوب آقای رضا آشتیانی  
زاده هم آمده بود) که بخواهد این چنین  
دعوی هم بکند نمیشه از اینها نشود که  
تمام مشخصات این مرد را فراموش مکرد  
مردی بود که در تمام عصر مت معروف بود  
تقوی سیاسی بود نمی زدیده رشوه نمی گرفت  
ولی با تمام اینها دیدید عاقبت این بیملکت  
را روی خود خواهی و خود پرستی چه بر  
سرش آورد  
رییس - آقای استخر نطق آفامدندش  
تمام شد  
نراقی - وقت بگهید آقا  
استخر - دستوری دارید آقا؟  
رییس - تعهدیم چه فرمودید  
استخر - اگر روز بکشند دستوری  
دارید امروز بنده وقت بدهید که صحبت  
کنم  
قات آبادی - نمیخواهید بگذارید  
دارم این است که آقا دو کله مقدس در  
ملکیت ما متعلقه منظر بسیاری از خانات  
و قباصلی شده است ، کله دین و آزادی چه  
بسا خاناتی که بهانه دین می شود مردمان  
دینداری را روی قفاصلی از دین بر  
میکندند متداهی مدید ملک ما گرفتار  
این قباحت بود که بنام دین خود دین خیاقت  
میکردند از مدتها باین طرف موضوع  
آزادی پیش آمده که بعضیها نام آزادی  
و اما نبود آزادی خیاقت میگردند (نراقی -  
احسن) بفرم آن خانم معروف  
فرانسوی مومی که او را میبردند بطرف  
مدان اهدام فریاده که ای آزادی چقدر  
جنایت بنام تو میشود ما هم کارمان بجائی رسیده  
که باید فریاد بکنیم ای آزادی چقدر در  
این ملک خیاقت میشود بنام تو نام  
آزادی (قات آبادی - کدام آزادی ؟ خدا  
بیاورد) (شوشری - یک کله دیگر  
امام شده نهضت ملی) البته باید اینرا  
تصدیق کرد که خود کله آزادی وضوان  
آزادی داشتن شایسته هر آدمی نیست  
متسلک شدن به آزادی یک وسایلی لازم  
دارد همه کس نمیتواند این دعوی را بکنند  
(نراقی - احسن) یک مردی پس از چهل  
سال تجربه پس از چهل سال مطالعه پس از  
چهل سال استادی این بیوق آزادی را در  
این ملک ابله بگرد کرد با وسایلی که در دست  
داشت اما بزرگ دیگری خیال میکند که می  
تواند همین مکتب و باز بکند نام آزادی  
بعقیده بنده اختیار میکند (صحیح است)  
برای اینکه گفت دیگر بیدار شده است دیگر  
کول حرف مارا نینخورد و آن کسی که  
این حرفها را میزند از تحریک وسایلی داشت  
یک مردی بوده ۷ ساله چهل سال در این  
کار مشغول بود تا این زمان تمام رسیده بود  
بلکه اگر خاطر آن باشد یک سید نورانی  
است که مردم میرزا شیخ امیر گویند  
مجلس شورای ملی

موتیکه بصادرات ایران منصوب شد کاهی  
در کارهای سلطنتی با میرزا آقاخان نوری  
مشورت میکرد میرزا آقاخان با لیدر نظریات  
امیر ایراد میکرد و با اصلاح این فلتی میزد  
یکروز امیر یکروزه ای بدستش داد ۱۲  
ماده روی این روز نوشته شده بود که امیر  
اصلاحات بکند آقاها میرزا آقاخان خوانند  
و گذاشت جلوی امیر گفت بسیار خوب است  
انجام کنید امیر گفت ناه صمیم قلب اینرا  
نکفتی راست بگو به پتم که عقیده داری  
یا نفاذی بعد رویه را گرفت و ادونه گذاشت  
جلوی امیر گفت باتمام اینها مخالفم گفت  
چرا ؟ گفت برای اینکه اگر بخواهی دست  
باین اصلاحات بزنی عرتو کفایت نمی دهد  
مجلس از دست امدار مدت چند سال نه  
یک مرتبه و نه یک جا بعضی آقایان میخواهند  
اصلاحاتی در ملک بشود ولی ملت نمیدهند  
که دولتی بتواند وفادار باشد بکار املاط  
بشود تا بتواند اصلاحات را بعمل بیاورد  
و اینها معایب را نشود بطور آتی انجام  
داد اینها یکی بیروزگار و بهت انجام  
میدرند البته با امر آفتیکه باید آقایان نمایندگان  
بصیایت دولت داشته باشند بنده نمیگویم که  
دولت باید سر خود باشد عرض میکنم دولت را  
مادامیکه ملاحظت دارد تقویت کرد و سر  
کار نگذارد که کارهای او هم مداخله کرد  
این عرض بنده است چون حالا می بینم که  
وجه مجلس بیش از این حاضر برای شنیدن  
بیان بنده نیست (چند نفر از نمایندگان - چرا  
آقا حاضریم) بقیه هم برایش را میگذارند هر وقت  
دیگری چون صدای از آقایان میل  
دارند که وارد دستور شوند بیش از  
این عرضی نمدارم (احسن است)  
(۳) بیانات آقای وزیر جنک  
راجع به زندانیان بیمار و  
تقصیب اخلاصگران  
رییس موارد دستور میشود آقای  
وزیر جنک  
احترامی که مانند بلو وزیر مسئول خود دولت  
نسبت بمجلس شورای ملی که مظهر ملت ایران است  
دارم و بخصوص منانند یک سرباز که  
ادعای ۳۶ سال خدمتگذاری ملت ایران را  
با کمال صداقت دارم مستزاد این است که هر  
وقت یک اتفاق باشد یا وقایعی پیش آمده  
باشد که مستزاد آن باشد کملت ایران از این  
آن مستعضر بشود یا کمال احترام بعرض  
مجلس شورای ملی ایران که مظهر تاناک  
ملت ایران است برسانم (احسن) بطوریکه  
خاطر نمایندگان محترم مستعضر است دروز  
۲۸ مرداد سال گذشته ملت ایران قیام کرد  
(صحیح است) این قیام ملت ایران برای  
این بود که بنظر آید کودستان ملت  
و دشمنان ایران در صدند که کوشی ایجاد بکنند  
که با معارضه و با گذشته ما و با آل و آرزوی  
ملع ایران (میر اشرفی) ناچار بخت ایران

باید که دست دیگری است جز وادامیاری  
 دولت از زندانیانی که سابقا توسطه کردند و  
 فشار آوردند و آنها را به بیستارستان فرستادیم  
 بر حسب از بیستارستان فرار کردند ما در  
 بیستارستان با احترام بسیارهای دیگر نمی-  
 توانیم بهمان ترتیبی که در زندان ماریچیکینم  
 مراتب کنیم فرار این دولت که از اشخاص  
 مؤثر هستند را دل بر اینست که اینجا جاید  
 میکنند که به بیستارستان بروند و بلکه از  
 بیستارستان فرار کنند (شوشتری- اسم بیرد)  
 اسم یکی از آنها الان خاطر است جلال  
 سامک دومی هم یاده نیست (میراشرفی-  
 ابوالقاسم امینی از غایتین درجه  
 اول بوده به اروپا فرار کرده و عقابهایم  
 فرار کرده اند اینجا هم بگیرند زندان  
 بفرستید ) اینکه اشاره فرمودند زندان  
 لشکرزهی، بنده میگویم بعضی بر سر نام  
 که ما در لشکرزهی زندان نداریم مطابق  
 مقررات هر کسی که باز داشت میشود  
 تحصیل زندان شهربانی، میگرد ولی مهمل  
 بایستی تصدیق کنیم که هر گاه یکی مهمل  
 نظر ما و ضمن سنجید و مخصوص ساید  
 کیسینوی مرکب از سه نفر ارتش تشکیل  
 میشود و آنها در ضمن یک صورت مجلسی  
 تأیید میکنند که صلاح است این زندانی  
 در عرض زندان شهربانی در زندان ارتش  
 باشد در این مورد باز بانگای نظر کیسینوی  
 هرابش و بانگای نظر جناب آقای دکتر  
 صمد حکمت باید عرض برسانم که مازوی که  
 نیست که در این فکر باشیم که چه بکنیم  
 سکه خیای نکرده مبادا یک بیگانه هم  
 جزو این اشخاص باشد و همه روزه در صدد  
 کمک اشخاص هستیم که با بیگانه هستند  
 و یا آنکه از قریب خودند و حالا یک وضع خاصی  
 پیش آمده است خالادیکر و دیگر دیدند که  
 با مراقبتی که فرمانداری نظامی دارند و  
 باید عرض کنم تاروژی که حکومت نظامی  
 بموجب رای مجلس شورای ملی حاکم است  
 حکومت نظامی با کمال شدت مطابق قانون  
 اجرا خواهد شد (صحیح است) دیده اندیکر  
 چاره ای نیست همه جا مواظب مراقبت است  
 حالا مجلس عروسی درست میکنند بنام  
 مجلس عروسی و یا اطلاع فرمانداری نظامی  
 چون این قبیل مجالس و جشنها را اطلاع  
 نمیدهند اینجا در همه جمع میشوند و در آنجا  
 مذاکرات میکنند و دستورات میدهند  
 بطوریکه در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۲۷ بمقامنداری  
 نظامی اطلاع رسید که در شب ۲۴ فروردین  
 در خیابان شاه آباد خیابان سیهسالار در یک  
 منزلی مجلس عروسی است مراقبت شد و  
 مواظبت شد و وقتیکه مسلم شد که این  
 مجلس عروسی نیست و بنام مجلس عروسی  
 جمع شده است و اشخاصی که  
 وارد میشوند با آخرین زینت شربوبات  
 الکل و راقیه در حقیقت اهالی میوزانت  
 نام های که در آن خانه آشپز حضور  
 داشته اند ۳۰ نفر بزرگمکه نفر

**شوشتری - آقا روزی ۲۵۰**  
**وزیر بهداری - آقا روزی ۲۵۰**  
**وزیر بهداری - آقا روزی ۲۵۰**

وزیر بهداری - آقا روزی ۲۵۰  
 وزیر بهداری - آقا روزی ۲۵۰  
 وزیر بهداری - آقا روزی ۲۵۰

شده است فرجه فرمانداری جلب شده بین  
 آنها دعای که در دست شوهر بانگای مرد  
 خود و بدون اطلاع کامل از ماهت واقعی  
 در این سخن شرکت نموده بودند بوسله  
 افسران فرمانداری ضمن رسیدگی بوضعیت  
 خان آنها تاساقت بنحیص به منازل خودشان  
 فرستاده شدند آنچه گفته است این است  
 که ۴۲ نفر از اشخاص که آتش باز داشت  
 شده اند از سران انعام دعای هستند که بر  
 ضد همه چیز ما تمام میکنند و آتش  
 زندان رفته باز هم تحقیقات ادامه دارد  
 و اگر باین عهد باز اشخاصی باشند که  
 قریب خود بوده باشند با اطلاع باشند آنها  
 هم مرخص میشوند و باقی مطابق قانون  
 رفتار خواهد شد بنده در خانه هراضم باز  
 خواستم که خاطر مبارک نمایند ما کنعتم  
 براتوجه این بنده بکنم که تا نوبت است و قانون  
 اجرا میشود اما انتقام میگیریم که با شما  
 یک قانونی را اجرا میکنند و ملت ایران  
 بایست متوجه باشد از این قبیل مذاکرات و از  
 این قبیل حرفهائی که منتشر میکنند هیچ  
 نتیجی جز اینکه آنها را نسبت بیک دستگاه  
 خام و صمیمی و خدمتگذار بدین بکنند هیچ  
 نتیجی دیگری ندارند (صحیح است) و بنده  
 وقت هست که داشغایم که این را میدانند  
 و با بنده و ملت ایران هم عقیده هستند اینجا  
 هم باستر که مبارزه بکنند و از این دستگاه  
 که دستگاه خودشان است دفاع بکنند  
 (صحیح است)  
**شوشتری - آقا روزی ۲۵۰**  
 تومانی از خود حسین فاطمی بگیرد بپردازت  
 آن مجوزی ندارد  
**رئیس -** مجوز ندارد سؤال بکنند  
 در مجلس این الفاظ زیادی را نکوید  
**آقای وزیر بهداری** بفرمائید  
**(۴ - بیان آقای وزیر بهداری**  
**راجح بعملیات سازمان جهانی**  
**بهداشت در ایران)**  
**وزیر بهداری -** بنده بعد از خستگی  
 که آقایان دارند در نتیجه طول کلام همه  
 ما خواستیم که عرض کرده باشم که آقایان  
 با اصطلاح وقتی صحبت میکنند تکرار کلام  
 نشود موضوع علمی است و آقای رئیس هم  
 امر فرمودند که بنده خیلی کم صحبت کنم  
 بنا بر این بنده مطلب علمی را باختصار  
 عرض میکنم و مرخص میوم عرض کنم  
 چندی پیش با دستور آقایان و دستورات  
 بنده بزور زتم و در ژنو کنفرانسی مربوط  
 بسازمان جهانی بهداشت بود که نتایج خیلی  
 خوبی گرفته شد که لازم است بطور اختصار  
 بر عرض آقایان برسانم که بعضی مطالب مهم  
 هم که انعام شد با دستور آقایان داشته  
 سازمان بهداشت جهانی که مؤسسه ای است  
 که نام آقایان متوجه طبق ماده ۵۷  
 متوجه ملت هستند یکی از اسامی نامی مهمی است  
 و در آنجا ۳۰ نفر بزرگمکه نفر  
 شده اند خود در این صیانت مرقوم شده

شده است فرجه فرمانداری جلب شده بین  
 آنها دعای که در دست شوهر بانگای مرد  
 خود و بدون اطلاع کامل از ماهت واقعی  
 در این سخن شرکت نموده بودند بوسله  
 افسران فرمانداری ضمن رسیدگی بوضعیت  
 خان آنها تاساقت بنحیص به منازل خودشان  
 فرستاده شدند آنچه گفته است این است  
 که ۴۲ نفر از اشخاص که آتش باز داشت  
 شده اند از سران انعام دعای هستند که بر  
 ضد همه چیز ما تمام میکنند و آتش  
 زندان رفته باز هم تحقیقات ادامه دارد  
 و اگر باین عهد باز اشخاصی باشند که  
 قریب خود بوده باشند با اطلاع باشند آنها  
 هم مرخص میشوند و باقی مطابق قانون  
 رفتار خواهد شد بنده در خانه هراضم باز  
 خواستم که خاطر مبارک نمایند ما کنعتم  
 براتوجه این بنده بکنم که تا نوبت است و قانون  
 اجرا میشود اما انتقام میگیریم که با شما  
 یک قانونی را اجرا میکنند و ملت ایران  
 بایست متوجه باشد از این قبیل مذاکرات و از  
 این قبیل حرفهائی که منتشر میکنند هیچ  
 نتیجی جز اینکه آنها را نسبت بیک دستگاه  
 خام و صمیمی و خدمتگذار بدین بکنند هیچ  
 نتیجی دیگری ندارند (صحیح است) و بنده  
 وقت هست که داشغایم که این را میدانند  
 و با بنده و ملت ایران هم عقیده هستند اینجا  
 هم باستر که مبارزه بکنند و از این دستگاه  
 که دستگاه خودشان است دفاع بکنند  
 (صحیح است)  
**شوشتری - آقا روزی ۲۵۰**  
 تومانی از خود حسین فاطمی بگیرد بپردازت  
 آن مجوزی ندارد  
**رئیس -** مجوز ندارد سؤال بکنند  
 در مجلس این الفاظ زیادی را نکوید  
**آقای وزیر بهداری** بفرمائید  
**(۴ - بیان آقای وزیر بهداری**  
**راجح بعملیات سازمان جهانی**  
**بهداشت در ایران)**  
**وزیر بهداری -** بنده بعد از خستگی  
 که آقایان دارند در نتیجه طول کلام همه  
 ما خواستیم که عرض کرده باشم که آقایان  
 با اصطلاح وقتی صحبت میکنند تکرار کلام  
 نشود موضوع علمی است و آقای رئیس هم  
 امر فرمودند که بنده خیلی کم صحبت کنم  
 بنا بر این بنده مطلب علمی را باختصار  
 عرض میکنم و مرخص میوم عرض کنم  
 چندی پیش با دستور آقایان و دستورات  
 بنده بزور زتم و در ژنو کنفرانسی مربوط  
 بسازمان جهانی بهداشت بود که نتایج خیلی  
 خوبی گرفته شد که لازم است بطور اختصار  
 بر عرض آقایان برسانم که بعضی مطالب مهم  
 هم که انعام شد با دستور آقایان داشته  
 سازمان بهداشت جهانی که مؤسسه ای است  
 که نام آقایان متوجه طبق ماده ۵۷  
 متوجه ملت هستند یکی از اسامی نامی مهمی است  
 و در آنجا ۳۰ نفر بزرگمکه نفر  
 شده اند خود در این صیانت مرقوم شده

شده است فرجه فرمانداری جلب شده بین  
 آنها دعای که در دست شوهر بانگای مرد  
 خود و بدون اطلاع کامل از ماهت واقعی  
 در این سخن شرکت نموده بودند بوسله  
 افسران فرمانداری ضمن رسیدگی بوضعیت  
 خان آنها تاساقت بنحیص به منازل خودشان  
 فرستاده شدند آنچه گفته است این است  
 که ۴۲ نفر از اشخاص که آتش باز داشت  
 شده اند از سران انعام دعای هستند که بر  
 ضد همه چیز ما تمام میکنند و آتش  
 زندان رفته باز هم تحقیقات ادامه دارد  
 و اگر باین عهد باز اشخاصی باشند که  
 قریب خود بوده باشند با اطلاع باشند آنها  
 هم مرخص میشوند و باقی مطابق قانون  
 رفتار خواهد شد بنده در خانه هراضم باز  
 خواستم که خاطر مبارک نمایند ما کنعتم  
 براتوجه این بنده بکنم که تا نوبت است و قانون  
 اجرا میشود اما انتقام میگیریم که با شما  
 یک قانونی را اجرا میکنند و ملت ایران  
 بایست متوجه باشد از این قبیل مذاکرات و از  
 این قبیل حرفهائی که منتشر میکنند هیچ  
 نتیجی جز اینکه آنها را نسبت بیک دستگاه  
 خام و صمیمی و خدمتگذار بدین بکنند هیچ  
 نتیجی دیگری ندارند (صحیح است) و بنده  
 وقت هست که داشغایم که این را میدانند  
 و با بنده و ملت ایران هم عقیده هستند اینجا  
 هم باستر که مبارزه بکنند و از این دستگاه  
 که دستگاه خودشان است دفاع بکنند  
 (صحیح است)  
**شوشتری - آقا روزی ۲۵۰**  
 تومانی از خود حسین فاطمی بگیرد بپردازت  
 آن مجوزی ندارد  
**رئیس -** مجوز ندارد سؤال بکنند  
 در مجلس این الفاظ زیادی را نکوید  
**آقای وزیر بهداری** بفرمائید  
**(۴ - بیان آقای وزیر بهداری**  
**راجح بعملیات سازمان جهانی**  
**بهداشت در ایران)**  
**وزیر بهداری -** بنده بعد از خستگی  
 که آقایان دارند در نتیجه طول کلام همه  
 ما خواستیم که عرض کرده باشم که آقایان  
 با اصطلاح وقتی صحبت میکنند تکرار کلام  
 نشود موضوع علمی است و آقای رئیس هم  
 امر فرمودند که بنده خیلی کم صحبت کنم  
 بنا بر این بنده مطلب علمی را باختصار  
 عرض میکنم و مرخص میوم عرض کنم  
 چندی پیش با دستور آقایان و دستورات  
 بنده بزور زتم و در ژنو کنفرانسی مربوط  
 بسازمان جهانی بهداشت بود که نتایج خیلی  
 خوبی گرفته شد که لازم است بطور اختصار  
 بر عرض آقایان برسانم که بعضی مطالب مهم  
 هم که انعام شد با دستور آقایان داشته  
 سازمان بهداشت جهانی که مؤسسه ای است  
 که نام آقایان متوجه طبق ماده ۵۷  
 متوجه ملت هستند یکی از اسامی نامی مهمی است  
 و در آنجا ۳۰ نفر بزرگمکه نفر  
 شده اند خود در این صیانت مرقوم شده

شده است فرجه فرمانداری جلب شده بین  
 آنها دعای که در دست شوهر بانگای مرد  
 خود و بدون اطلاع کامل از ماهت واقعی  
 در این سخن شرکت نموده بودند بوسله  
 افسران فرمانداری ضمن رسیدگی بوضعیت  
 خان آنها تاساقت بنحیص به منازل خودشان  
 فرستاده شدند آنچه گفته است این است  
 که ۴۲ نفر از اشخاص که آتش باز داشت  
 شده اند از سران انعام دعای هستند که بر  
 ضد همه چیز ما تمام میکنند و آتش  
 زندان رفته باز هم تحقیقات ادامه دارد  
 و اگر باین عهد باز اشخاصی باشند که  
 قریب خود بوده باشند با اطلاع باشند آنها  
 هم مرخص میشوند و باقی مطابق قانون  
 رفتار خواهد شد بنده در خانه هراضم باز  
 خواستم که خاطر مبارک نمایند ما کنعتم  
 براتوجه این بنده بکنم که تا نوبت است و قانون  
 اجرا میشود اما انتقام میگیریم که با شما  
 یک قانونی را اجرا میکنند و ملت ایران  
 بایست متوجه باشد از این قبیل مذاکرات و از  
 این قبیل حرفهائی که منتشر میکنند هیچ  
 نتیجی جز اینکه آنها را نسبت بیک دستگاه  
 خام و صمیمی و خدمتگذار بدین بکنند هیچ  
 نتیجی دیگری ندارند (صحیح است) و بنده  
 وقت هست که داشغایم که این را میدانند  
 و با بنده و ملت ایران هم عقیده هستند اینجا  
 هم باستر که مبارزه بکنند و از این دستگاه  
 که دستگاه خودشان است دفاع بکنند  
 (صحیح است)  
**شوشتری - آقا روزی ۲۵۰**  
 تومانی از خود حسین فاطمی بگیرد بپردازت  
 آن مجوزی ندارد  
**رئیس -** مجوز ندارد سؤال بکنند  
 در مجلس این الفاظ زیادی را نکوید  
**آقای وزیر بهداری** بفرمائید  
**(۴ - بیان آقای وزیر بهداری**  
**راجح بعملیات سازمان جهانی**  
**بهداشت در ایران)**  
**وزیر بهداری -** بنده بعد از خستگی  
 که آقایان دارند در نتیجه طول کلام همه  
 ما خواستیم که عرض کرده باشم که آقایان  
 با اصطلاح وقتی صحبت میکنند تکرار کلام  
 نشود موضوع علمی است و آقای رئیس هم  
 امر فرمودند که بنده خیلی کم صحبت کنم  
 بنا بر این بنده مطلب علمی را باختصار  
 عرض میکنم و مرخص میوم عرض کنم  
 چندی پیش با دستور آقایان و دستورات  
 بنده بزور زتم و در ژنو کنفرانسی مربوط  
 بسازمان جهانی بهداشت بود که نتایج خیلی  
 خوبی گرفته شد که لازم است بطور اختصار  
 بر عرض آقایان برسانم که بعضی مطالب مهم  
 هم که انعام شد با دستور آقایان داشته  
 سازمان بهداشت جهانی که مؤسسه ای است  
 که نام آقایان متوجه طبق ماده ۵۷  
 متوجه ملت هستند یکی از اسامی نامی مهمی است  
 و در آنجا ۳۰ نفر بزرگمکه نفر  
 شده اند خود در این صیانت مرقوم شده

شده است فرجه فرمانداری جلب شده بین  
 آنها دعای که در دست شوهر بانگای مرد  
 خود و بدون اطلاع کامل از ماهت واقعی  
 در این سخن شرکت نموده بودند بوسله  
 افسران فرمانداری ضمن رسیدگی بوضعیت  
 خان آنها تاساقت بنحیص به منازل خودشان  
 فرستاده شدند آنچه گفته است این است  
 که ۴۲ نفر از اشخاص که آتش باز داشت  
 شده اند از سران انعام دعای هستند که بر  
 ضد همه چیز ما تمام میکنند و آتش  
 زندان رفته باز هم تحقیقات ادامه دارد  
 و اگر باین عهد باز اشخاصی باشند که  
 قریب خود بوده باشند با اطلاع باشند آنها  
 هم مرخص میشوند و باقی مطابق قانون  
 رفتار خواهد شد بنده در خانه هراضم باز  
 خواستم که خاطر مبارک نمایند ما کنعتم  
 براتوجه این بنده بکنم که تا نوبت است و قانون  
 اجرا میشود اما انتقام میگیریم که با شما  
 یک قانونی را اجرا میکنند و ملت ایران  
 بایست متوجه باشد از این قبیل مذاکرات و از  
 این قبیل حرفهائی که منتشر میکنند هیچ  
 نتیجی جز اینکه آنها را نسبت بیک دستگاه  
 خام و صمیمی و خدمتگذار بدین بکنند هیچ  
 نتیجی دیگری ندارند (صحیح است) و بنده  
 وقت هست که داشغایم که این را میدانند  
 و با بنده و ملت ایران هم عقیده هستند اینجا  
 هم باستر که مبارزه بکنند و از این دستگاه  
 که دستگاه خودشان است دفاع بکنند  
 (صحیح است)  
**شوشتری - آقا روزی ۲۵۰**  
 تومانی از خود حسین فاطمی بگیرد بپردازت  
 آن مجوزی ندارد  
**رئیس -** مجوز ندارد سؤال بکنند  
 در مجلس این الفاظ زیادی را نکوید  
**آقای وزیر بهداری** بفرمائید  
**(۴ - بیان آقای وزیر بهداری**  
**راجح بعملیات سازمان جهانی**  
**بهداشت در ایران)**  
**وزیر بهداری -** بنده بعد از خستگی  
 که آقایان دارند در نتیجه طول کلام همه  
 ما خواستیم که عرض کرده باشم که آقایان  
 با اصطلاح وقتی صحبت میکنند تکرار کلام  
 نشود موضوع علمی است و آقای رئیس هم  
 امر فرمودند که بنده خیلی کم صحبت کنم  
 بنا بر این بنده مطلب علمی را باختصار  
 عرض میکنم و مرخص میوم عرض کنم  
 چندی پیش با دستور آقایان و دستورات  
 بنده بزور زتم و در ژنو کنفرانسی مربوط  
 بسازمان جهانی بهداشت بود که نتایج خیلی  
 خوبی گرفته شد که لازم است بطور اختصار  
 بر عرض آقایان برسانم که بعضی مطالب مهم  
 هم که انعام شد با دستور آقایان داشته  
 سازمان بهداشت جهانی که مؤسسه ای است  
 که نام آقایان متوجه طبق ماده ۵۷  
 متوجه ملت هستند یکی از اسامی نامی مهمی است  
 و در آنجا ۳۰ نفر بزرگمکه نفر  
 شده اند خود در این صیانت مرقوم شده

در این مردم عاقله ضرورتاً هارفت میزاند  
بانگها و عنوان پشتوانه اسکاتس را پیدا  
کردند مدتها مردم سوریکردند مثل منور  
میگردند که تنها عامل مؤثر در قدرت پول  
دریا فایده یون پول در اقتصاد مردم بیول  
ملا و نقره است و همین جهت نمیگردند  
که طلا و نقره و پشتوانه این کاغذ را زیاد  
بکنند، البته تحولاتی که در جنگ بین -  
المللی اول از نظر اقتصادی در دنیا پیدا شد  
و بعد از جنگ کم کم و مخصوصاً برانهای  
پولی که در چند کشور مثل فرانسه و آلمان  
و سایر کشور های اروپائی قانع با مخلوب  
پیدا شد که رفتارها اختلاف مبلغ مثل آلمان  
و فرانسه پیدا کردند تپول که آنها و  
انگلیس و بولیا بالاخره طبای اقتصادی باین  
نتیجه رسیدند که بایستی برای پشتوانه  
اسکاتس فکر اساسی دیگری کرد که کتر شناخت  
در سال ۱۹۲۴ بعد از جنگ بین المللی  
اول یعنی در سالی که دولت آلمان بکلی  
از پا در رفتن بود و وضع انگلیس یون به  
سوودی در ملک بود که ملاحظه می کرد  
معرض کردم برای گرفتن یک بستنی و جای  
یک خوراک اسکناس آلمان میدادند ،  
و کتر شناخت آمد بملت آلمان گفت که  
آقایان طلا و نقره یک وسیله اطمینانی است ،  
بزرگترین وسیله برای پول کار یک ملت است  
(صحیح است) شما طلا و نقره در بانکها  
نداشته باشید ، آن مارک سابق را از بین  
برد و از اعتبار نداشت خود آقا بهتری  
داند که آن رفتن مارک آلمان را آماده جاد  
کرد و نوعی آب پشتوانه او کار خراج دولتی  
آلمان و املاک آلمان و کار مثل آلمان  
بود ملاحظه فرمودید بعد از آنکه متوجه بود  
خندان که یک مارک جدید بدون پشتوانه  
اسکاتس براه افتاد تولید ملک از زیاد  
کرد صادرات ملک زیاد شد تا ۱۹۳۲  
که ملاحظه فرمودید بقیل از آمدن بیانی  
بسرکار و وضع پولی و اقتصادی آلمان بیانی  
رسید که جای صادرات مقدار زیادی طلا  
در بانکهای آلمان جمع شده بود یعنی  
یک پول بدون طلا بملت کار ملت آلمان و  
بملت نقشه های صحیح حکومت آلمان و  
بملت صیبت و فداکاری دولت و ملت آلمان  
بیانی رسید که این کاغذ بدون پشتوانه کار  
نکرد میزاد از زیاد کرد تپول را زیاد  
کرد و جای پای آلمان در امر طلا کرد  
در صورتیکه تمام های دیگری که کار نکردند  
و نمای صحیح اقتصادی برای تشکیلات  
مالی خودشان درست نکردند ملاحظه داشتند  
کم کم مجبور شدند طلا ها را بملت اینکه  
واردات زیادتر از صادرات بود طلا های  
زیاد را فروخته ذخیره بانک را فروخته  
هی کرد و بچه توان بود و تمام بود بچه  
خودشان را تأمین کردند ( میراشرفی )  
از طلا ( اشتباه است ) کالا که اشتباه  
کردند در لایحه بیولت بیولت و جواب شده است  
( میر اشرفی ) آخرت فرس مازود بود  
و مسلم شد که از نظر های اقتصادی

پولی در حاکمیت قابل ارزش و صادرات  
که عوامل اعتماد ملت بآن پول از جهت  
درست بودن اوضاع اقتصادی از جهت  
اعتدال بودجه از جهت ثروت صادرات به  
واردات و از جهت درست بودن دستگاه  
دولت از نظر مجری بودن نهاد ایشانی  
از نظر نبودن اختلاف زیاد بین طبقات و  
از نظر درست بودن مأمورین و نحوه نگرش  
و مالیات صحیح گرفتن از نظر اینان مردم  
مالیات بده و تقوی نگاه املاک ، امین  
مقاظه کاران که مالیاتشان را بدهند  
و روحیه قابلت جمع این عوامل است که پول  
یک ملت را قوت اعتبار میدهد و پول هارا  
بالازش میکند یکی از این عوامل هم مقدار  
پشتوانه طلا و نقره در بانکها است بنابراین  
من چون در جلسه خارج خدمت آقای دکت  
معرض کرده ام ایشان فرمودند که روی  
تصرف پول مطلبی را خوانده فرمودند به خواست  
میت آن مطالبی که ایشان خوب فرمودند  
قبلا عرض بکنم که بنده توجه باین مطلب  
دارم هم تعریف پول را میدانم یعنی چه و  
هم میدانم که عوامل اعتماد نسبت بیک پول  
در ممالک متضمن ، در ممالکی که اقتصادشان  
روی پایه صحیح است چیست پس خلاصه  
آنکه پول وسیله مبادلات است تنها طلا  
عامل مؤثر اعتماد مردم بیول نیست عوامل  
دیگری هم در ملک لازم است مانند پول  
پول اعتماد داشته باشند و عامل طلا هم مؤثر  
باشد بنده میگویم عرض کنم جناب آقای  
دکتز امینی شما وضع ایران را از بعد از  
جنگ بین المللی دوم بعد از شهر بیول مطالعه  
فرموده اید لایحه فرموده اید که بسبب  
نبودن برنامه های اقتصادی و تأمین نبودن  
سایر شرایط و وضع پول مایل نشر اسکناس  
چه در سال ۱۳۲۱ با قانونی ( اجازه  
بهشت اندوخته اسکناس داد و مقداری  
اسکناس منتشر شد که هم مردم به آن اعتماد  
نداشتند و هم صرف کارهای تولیدی نشد  
نتیجتها شاخص در کهای قدر ایران بچه  
صورتی بالا رفت ( صحیح است ) این که  
ملاحظه فرمودید که بنده چند چیز آورده ام  
نتیجه مطالعاتی است که سالها در این باره  
کردم و عرض آقایان میفرسانم این مجله  
بانکملی شماره ۶۶ مربوط آبان و آذر  
۱۳۲۱ است که ملاحظه فرمایید شاخص هزینه  
زندگی یکی از احصاء در سال ۱۳۱۱ -  
۱۰۰ بگیری هم در سال ۱۳۱۹ ۱۱۲ و  
رسیده و آنچه بنظر هست در مهر ۱۳۲۱  
قانون آورده ، خود شاق هم در این لایحه  
نذ کر فرموده اند در اینجه است که بسبب  
قانون ۲۸ آبان ۱۳۲۱ اجازه نشر اسکناس  
بهشت ایندوخته اسکناس دادند ( اردلان -  
آن قانون نیست ) مجموع قانون ۲۸ آبان  
( اردلان ) اشتباه است ، کالا که اشتباه  
کردند در لایحه بیولت بیولت و جواب شده است  
( میر اشرفی ) آخرت فرس مازود بود  
آقایان فرمایند اینجا بگریدیم من روی

مقدم و وظیفه ای که دارم عرض میکنم  
تعلیل هم نمیتکم عقیده خود را عرض  
کنم تا سال ۱۹۰۶ شاهن زندگی ۱۱۲ بود  
نست به ۱۰۰۰۰ زاول آبان که اجازه نشر  
اسکناس داده شد تا سال ۱۳۲۲ یعنی در  
طرف دو سال ۱۶۲ هزار و خورده ای  
رسید ( دارا بنده تنها عامل بیول نبود است )  
یعنی از عوامل مؤثر بوده است ( دارا بنده -  
البته یکی از عوامل ) البته متفقین در برابر  
و مارا مجبور کردند اسکناس آنها بهمین  
اسکناس را گرفتند بدون حساب خرج کردند  
( وزیر دارائی ) همه ش مربوط با اسکناس ( نمود  
( میر اشرفی - دلار هم ۲۲۰۰۰ ریال بود قیمت  
زندگی را بالا بردند بدون حساب خریدند  
و نتیجه اش این شد در هر صورت بدون  
تردید سکه تماماً خود آقای دکتز امینی  
هم تصدیق خواهند فرمود یکی از عوامل  
بالا رفتن قیمت زندگی در ایران تا سال  
۱۳۲۳ متفقین بودند و یکی از عوامل  
هم نشر اسکناس است که بنده توجه باین  
نورده ای رسید ( دارا بنده صحیح است )  
راست است که نشر اسکناس هم یکی از  
عوامل بود و بنده میگویم عرض کنم که  
یکی از عوامل هم نشر اسکناس است خود  
آقایان میدانند قانون عرض و تقاضا که یکی  
از قوانین اولیه اقتصاد است وقتی که اسکناس  
زیاد شد وقتی سکه پست شده و آقا رسید  
بست بنده که نرسید بدست آقا که نشانه  
رسید ( بکسفر از نشانه بان - بدست ماها  
نرسید ) بالاخره بدست یکی آمده این  
دارند کان اسکناس را وقتی تشریف بردند  
بنده آموخه ساله را آورد املاک پولی بملت  
ایشه ناسی است ، برنامه اقتصادی صحیح  
روی یک اقتصاد برای این ملک پنداشته  
قیمت ها مقداری کم و بیش تغییر پیدا کرد  
یعنی قیمت های که بعد از جنگ یکصصص  
پایین آمده بود از سال ۱۳۲۰ دوم تر به بالا  
رفت تا آمدیم به ۲۹ مرداد که دولت فعلی  
سرکار آمد و با بنده شاخص هزینه زندگی  
رادر این چند ماه می بینم که بیک صورت عجیبی  
بالا رفت است من میدانم که خود آقایان  
اعضای دولت هم این شاخص زندگی را ملاحظه  
فرموده اند با سایر بنده آخرین مجله ای را  
که بانکملی منتشر کرد و مجله اسفند ماه  
است این آخرین مجله بانکملی است بنده  
شاخص زندگی را برای آقایان از اول مرداد  
بیم میخوانم و ببینند بنده نمی مردم  
بچه نیستی بالارفت بنده هم البته خود  
آقایان توضیح خواهند فرمود در مرداد ۲۲  
شاخص زندگی ۷۸۰ است آقای دکتز امینی  
در این مجله نوشته اند در شهریور ماه  
است ۸۱۰ و بچه نیست ماهیانی بالا رفته  
است در مهر ۸۲۰ و در آبان ۸۵۰ و در آذر  
۹۰۰ و در دی ۹۱۰ و در بهمن ۹۲۰ این تا آخر  
اسفند است باینرا این ملاحظه میفرمایند که  
همینطور قیمت ها بالارفت این مجله صادرات  
و در این جا هست خبر انتشار بودجه ایرا  
که وزیر دارائی مجلسی تقویم فرمودند

قیمت زندگی در ایران در صورتیکه شامل داد یک  
حصولی که امروز در دنیا همه میداند که  
وضع اقتصادی بهتر از فرانسه فایده است  
ولی ملت دیگری مثل ما مثل فرانسه که  
گرفتند نشر اسکناس زیاد شدند باینکه  
و اوضاع متضمن ، اما صحیح نگرش است ، اوضاع مالیات و  
درست نگرفتند بودجه شان درست نکردند  
صادرات و واردات شان را ندادند و با  
نشر اسکناس که بهترین وسیله رفع سر درد  
و مسکن اقتصادی باشد کلاری از پیش نبردند  
تا بطوریکه ملاحظه میفرمایند - کانه جدید  
فرانس و این کسی که تازه آمده کم  
است ، اشیدم بود آقای متضمن فرانس  
اولین چیزی را که در برینرمانش نوشته  
در روزنامه است تهران ترجمش را دیدم  
این است ( چهار اسکناس که بزرگترین  
پولای اقتصادی فرانسه است فوراً متوقف  
خواهید شد بنابراین جناب آقای دکتز امینی  
بدا جزیک و ضامن باین ترتیب بود ( میر -  
اشرفی - کراش و از بنده هم هست ) بعد از  
جنگ در دوره اول کشته شد بدون اینکه  
مردم اطلاع پیدا کنند بملت اینکه مارک  
بازره شدید اقتصادی راجع بکش با مخالفین  
نورده ام بودیم که از هر جهت در هارا بری  
این ملک است بدون هیچ قیمت نیکنداشتن  
نفت بفرشیم و بوسیله دیگری برای تهیه  
ارز پیدا کردیم مقداری اسکناس منتشر شد  
خوشبختانه مردم نپنداشتند شاید همدهای  
میپنداستند برای این که اگر مردم می -  
دانستند قیمت زندگی بیک صورتی بالا میرفت که  
بنده آموخه ساله را آورد املاک پولی بملت  
ایشه ناسی است ، برنامه اقتصادی صحیح  
روی یک اقتصاد برای این ملک پنداشته  
قیمت ها مقداری کم و بیش تغییر پیدا کرد  
یعنی قیمت های که بعد از جنگ یکصصص  
پایین آمده بود از سال ۱۳۲۰ دوم تر به بالا  
رفت تا آمدیم به ۲۹ مرداد که دولت فعلی  
سرکار آمد و با بنده شاخص هزینه زندگی  
رادر این چند ماه می بینم که بیک صورت عجیبی  
بالا رفت است من میدانم که خود آقایان  
اعضای دولت هم این شاخص زندگی را ملاحظه  
فرموده اند با سایر بنده آخرین مجله ای را  
که بانکملی منتشر کرد و مجله اسفند ماه  
است این آخرین مجله بانکملی است بنده  
شاخص زندگی را برای آقایان از اول مرداد  
بیم میخوانم و ببینند بنده نمی مردم  
بچه نیستی بالارفت بنده هم البته خود  
آقایان توضیح خواهند فرمود در مرداد ۲۲  
شاخص زندگی ۷۸۰ است آقای دکتز امینی  
در این مجله نوشته اند در شهریور ماه  
است ۸۱۰ و بچه نیست ماهیانی بالا رفته  
است در مهر ۸۲۰ و در آبان ۸۵۰ و در آذر  
۹۰۰ و در دی ۹۱۰ و در بهمن ۹۲۰ این تا آخر  
اسفند است باینرا این ملاحظه میفرمایند که  
همینطور قیمت ها بالارفت این مجله صادرات  
و در این جا هست خبر انتشار بودجه ایرا  
که وزیر دارائی مجلسی تقویم فرمودند

بنده بنده بخودش با عامل بالابردن زندگی  
است برای اینکه نه تنها در بودجه خارجی  
نیست بلکه گسر بودجه نست ستون قبل  
خیلی زیادتر شدند باینکه هر کس عوامل  
مؤثر در بیول ملاحظه بودجه ، تمایل صادرات و  
واردات حسن اداره دولت انجام فذات  
اجتهای در ملک دادن مالیات ها بوسیله  
مالیات بدما ، گرفتن مالیات هادر دستگاه  
وصول بدبختانه آقای دکتز امینی باید مرض  
کنم که همدهای از مالیات بدما در این ملک  
مالیات نپندهند عدهای از مأمورین دولت  
هم در دگر گرفتن مالیات کمک میکنند با کمال  
تأسف با بعضی همسنگم که بنده میشناسم  
گسائی را در ادارات وصول کرده اند ، این  
تجار میروند نزد آقایان ملاحظه کاران می  
روند بیش مالیات بدما می نشینند و طوری رفتار  
و انتظمن میکنند که آنه را خودشان می  
خواهند بدمنه میبندد کتر میدهند با کمال  
بفریاد ، این شطرب را آقای دکتز در روز ماه  
قبل خدمتتان عرض کردم عدهای از مأمورین  
وصول آمدند بکارخانه ها بعنوان اینکه  
تیمبر سفته را بپینند دفاتر دول را به  
پیندند و متأسفانه در خیلی از جاها دیدند  
تمام بشما گزارش دادند که هیچ اختلافی  
نیبود و چندین هزار تومان پول گرفته  
( مصدق همسودی - اسم ببرید - آقا )  
اسم نپندارم خود آقای دکتز اینها را بهتر  
از بنده میدانند که چه عدهای از تجاری که در  
مجلس هستند از دوستان ما هستند ولی باید  
با کمال تأسف عرض کنم که عدهای مالیات بدما  
( مالیات بکسر در این ملک موجب شده  
که ملت ایران در این جنگ متأسفانه  
اگر این عرض آقایان بر نرود شکست  
خورده ایم ( ارباب ) یک عده غیر تاجر تجارت  
میکند باز چون آقایان در این معنی فرمودند  
در جواب ایشان اطلاع آقایان عرض می  
کنم بنده قول میدهم که نود ونه درصد  
تجار دفاتر دول بردند و بنده ملاحظه مالیاتشان  
را بنده خود سال ۱۳۲۰ را آوردیم  
ملاحظه فرمایند بنده بقیل دارم آقای  
دکتز امینی بد بنده شواهدت فرمود که  
راه صحیح را نشان بدهید جناب آقای دکتز  
امینی در ۱۳۲۰ جمع حوایه ایران ۳۷۰  
میلیون تومان پیش بینی شده اند از شمس  
معنی است ، بنده تصدیق میکنم که مقداری  
از این هوایر از یاد یتمین کرده اند ولی بنده  
تحقیق ۳۰۰ میلیون تومان مایدات ملت  
ایران بوده است از آن تاریخ بنده قیمت  
ها شایده در برابر بالا رفته است باینکه  
نسبت مالیات بر درآمد مالیات بر است و  
سایر مالیات ها بالا بیود جنابای خودشان را  
گفتند با هزار زحمت آمدیم جمع بودجه  
ایران و هوایر پیش بینی شد عموماً من نپندام  
هزار میلیون گویا پیش بینی کرده اند که  
شماری رام گفته و زیاد عرض کرده اند  
که بطور نسبت وصول بشما نوشتند و  
بنده برابر ۱۳۲۰ در وصول نوشتند

بنده بنده بخودش با عامل بالابردن مالیات  
است برای اینکه نه تنها در بودجه خارجی  
نیست بلکه گسر بودجه نست ستون قبل  
خیلی زیادتر شدند باینکه هر کس عوامل  
مؤثر در بیول ملاحظه بودجه ، تمایل صادرات و  
واردات حسن اداره دولت انجام فذات  
اجتهای در ملک دادن مالیات ها بوسیله  
مالیات بدما ، گرفتن مالیات هادر دستگاه  
وصول بدبختانه آقای دکتز امینی باید مرض  
کنم که همدهای از مالیات بدما در این ملک  
مالیات نپندهند عدهای از مأمورین دولت  
هم در دگر گرفتن مالیات کمک میکنند با کمال  
تأسف با بعضی همسنگم که بنده میشناسم  
گسائی را در ادارات وصول کرده اند ، این  
تجار میروند نزد آقایان ملاحظه کاران می  
روند بیش مالیات بدما می نشینند و طوری رفتار  
و انتظمن میکنند که آنه را خودشان می  
خواهند بدمنه میبندد کتر میدهند با کمال  
بفریاد ، این شطرب را آقای دکتز در روز ماه  
قبل خدمتتان عرض کردم عدهای از مأمورین  
وصول آمدند بکارخانه ها بعنوان اینکه  
تیمبر سفته را بپینند دفاتر دول را به  
پیندند و متأسفانه در خیلی از جاها دیدند  
تمام بشما گزارش دادند که هیچ اختلافی  
نیبود و چندین هزار تومان پول گرفته  
( مصدق همسودی - اسم ببرید - آقا )  
اسم نپندارم خود آقای دکتز اینها را بهتر  
از بنده میدانند که چه عدهای از تجاری که در  
مجلس هستند از دوستان ما هستند ولی باید  
با کمال تأسف عرض کنم که عدهای مالیات بدما  
( مالیات بکسر در این ملک موجب شده  
که ملت ایران در این جنگ متأسفانه  
اگر این عرض آقایان بر نرود شکست  
خورده ایم ( ارباب ) یک عده غیر تاجر تجارت  
میکند باز چون آقایان در این معنی فرمودند  
در جواب ایشان اطلاع آقایان عرض می  
کنم بنده قول میدهم که نود ونه درصد  
تجار دفاتر دول بردند و بنده ملاحظه مالیاتشان  
را بنده خود سال ۱۳۲۰ را آوردیم  
ملاحظه فرمایند بنده بقیل دارم آقای  
دکتز امینی بد بنده شواهدت فرمود که  
راه صحیح را نشان بدهید جناب آقای دکتز  
امینی در ۱۳۲۰ جمع حوایه ایران ۳۷۰  
میلیون تومان پیش بینی شده اند از شمس  
معنی است ، بنده تصدیق میکنم که مقداری  
از این هوایر از یاد یتمین کرده اند ولی بنده  
تحقیق ۳۰۰ میلیون تومان مایدات ملت  
ایران بوده است از آن تاریخ بنده قیمت  
ها شایده در برابر بالا رفته است باینکه  
نسبت مالیات بر درآمد مالیات بر است و  
سایر مالیات ها بالا بیود جنابای خودشان را  
گفتند با هزار زحمت آمدیم جمع بودجه  
ایران و هوایر پیش بینی شد عموماً من نپندام  
هزار میلیون گویا پیش بینی کرده اند که  
شماری رام گفته و زیاد عرض کرده اند  
که بطور نسبت وصول بشما نوشتند و  
بنده برابر ۱۳۲۰ در وصول نوشتند

بنده بنده بخودش با عامل بالابردن مالیات  
است برای اینکه نه تنها در بودجه خارجی  
نیست بلکه گسر بودجه نست ستون قبل  
خیلی زیادتر شدند باینکه هر کس عوامل  
مؤثر در بیول ملاحظه بودجه ، تمایل صادرات و  
واردات حسن اداره دولت انجام فذات  
اجتهای در ملک دادن مالیات ها بوسیله  
مالیات بدما ، گرفتن مالیات هادر دستگاه  
وصول بدبختانه آقای دکتز امینی باید مرض  
کنم که همدهای از مالیات بدما در این ملک  
مالیات نپندهند عدهای از مأمورین دولت  
هم در دگر گرفتن مالیات کمک میکنند با کمال  
تأسف با بعضی همسنگم که بنده میشناسم  
گسائی را در ادارات وصول کرده اند ، این  
تجار میروند نزد آقایان ملاحظه کاران می  
روند بیش مالیات بدما می نشینند و طوری رفتار  
و انتظمن میکنند که آنه را خودشان می  
خواهند بدمنه میبندد کتر میدهند با کمال  
بفریاد ، این شطرب را آقای دکتز در روز ماه  
قبل خدمتتان عرض کردم عدهای از مأمورین  
وصول آمدند بکارخانه ها بعنوان اینکه  
تیمبر سفته را بپینند دفاتر دول را به  
پیندند و متأسفانه در خیلی از جاها دیدند  
تمام بشما گزارش دادند که هیچ اختلافی  
نیبود و چندین هزار تومان پول گرفته  
( مصدق همسودی - اسم ببرید - آقا )  
اسم نپندارم خود آقای دکتز اینها را بهتر  
از بنده میدانند که چه عدهای از تجاری که در  
مجلس هستند از دوستان ما هستند ولی باید  
با کمال تأسف عرض کنم که عدهای مالیات بدما  
( مالیات بکسر در این ملک موجب شده  
که ملت ایران در این جنگ متأسفانه  
اگر این عرض آقایان بر نرود شکست  
خورده ایم ( ارباب ) یک عده غیر تاجر تجارت  
میکند باز چون آقایان در این معنی فرمودند  
در جواب ایشان اطلاع آقایان عرض می  
کنم بنده قول میدهم که نود ونه درصد  
تجار دفاتر دول بردند و بنده ملاحظه مالیاتشان  
را بنده خود سال ۱۳۲۰ را آوردیم  
ملاحظه فرمایند بنده بقیل دارم آقای  
دکتز امینی بد بنده شواهدت فرمود که  
راه صحیح را نشان بدهید جناب آقای دکتز  
امینی در ۱۳۲۰ جمع حوایه ایران ۳۷۰  
میلیون تومان پیش بینی شده اند از شمس  
معنی است ، بنده تصدیق میکنم که مقداری  
از این هوایر از یاد یتمین کرده اند ولی بنده  
تحقیق ۳۰۰ میلیون تومان مایدات ملت  
ایران بوده است از آن تاریخ بنده قیمت  
ها شایده در برابر بالا رفته است باینکه  
نسبت مالیات بر درآمد مالیات بر است و  
سایر مالیات ها بالا بیود جنابای خودشان را  
گفتند با هزار زحمت آمدیم جمع بودجه  
ایران و هوایر پیش بینی شد عموماً من نپندام  
هزار میلیون گویا پیش بینی کرده اند که  
شماری رام گفته و زیاد عرض کرده اند  
که بطور نسبت وصول بشما نوشتند و  
بنده برابر ۱۳۲۰ در وصول نوشتند



